

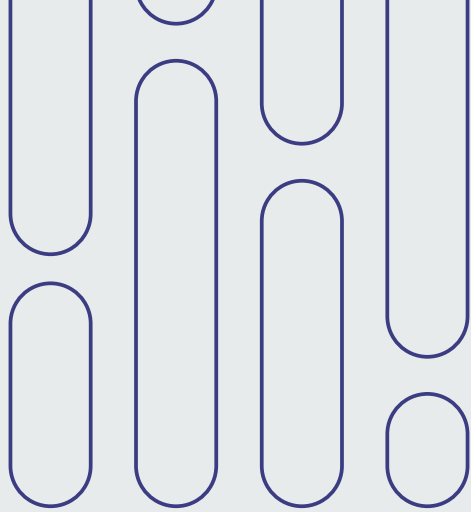
گزارش

بارقه هایی از دور تازه نزدیکی میان آنکارا و دمشق.. انگیزه ها و چالشها

8 اوت 2024



RASANAHA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies



فهرست مطالب

- نخست: پیشینه روند نزدیکی میان آنکارا و دمشق 4
- دوم: انگیزه های پنهان طرفین برای نرمش 6
- سوم: موضع قدرتهای منطقه ای و بین المللی در قبال
نزدیکی میان آنکارا و دمشق 12
- چهارم: فرصتها و چالشهایی که فراروی دور تازه
گفتگوها قرار دارد 16
- برآیند 19

تحولات سیاسی اخیر در مناسبات دو کشور ترکیه و سوریه، توجه ناظران را به خود جلب کرده است. اخیراً نشانه‌هایی مبنی بر نزدیکی میان دولت‌های دو کشور دیده شده است. اظهارات رؤسای جمهور ترکیه و سوریه مبنی بر استقبال از ابتکارهای نزدیکی میان دو کشور، نمونه‌ای از این نشانه‌ها است. رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه ضمن اشاره به روابط دوستانه میان دو کشور تا پیش از انقلاب سوریه در سال ۲۰۱۱ میلادی، اعلام کرده است که کشورش در از سرگیری روابط دیپلماتیک با دولت سوریه مشکلی ندارد. وی همچنین از تمایل خود به دعوت از بشار اسد برای دیدار از ترکیه خبر داد. شایان ذکر است که اردوغان پیش از این، همواره از سرگیری روابط با دولت کنونی سوریه را قویاً رد می‌کرد. او حتی از این نیز فراتر رفت و در مورد خطر بشار اسد و نظام او به جهان هشدار داد. این تغییر ادبیات تند به ادبیات سازشکارانه نشان می‌دهد که ترکیه برای گشایش باب گفتگو و امکان از سرگیری روابط دیپلماتیک میان دو کشور وارد عمل شده است. در عین حال، اظهارات بشار اسد رئیس جمهور سوریه نیز نشان می‌دهد که او از مواضع قبلی خود اندکی عقب‌نشسته است؛ زیرا او در اظهارات اخیر خود به خروج نیروهای ترکیه از سوریه به عنوان یک پیش شرط اشاره‌ای نکرده و صرفاً به سخن درباره استقبال کشورش از هر ابتکاری برای بازگشت روابط با آنکارا ضمن احترام به حاکمیت کشور سوریه و ضرورت مبارزه با گروه‌های مسلح مورد حمایت ترکیه در سوریه اکتفا نموده است. اظهارات فیصل مقداد وزیر خارجه سوریه نیز نشان می‌دهد که او از مواضع قبلی خود کمی کوتاه آمده است. او که پیش از این، گام‌های ملموس و فوری در خصوص عقب‌نشینی نیروهای ترکیه را پیش شرط هر نوع نزدیکی میان دو کشور ذکر کرده بود، اخیراً گفته است که کشورش تلاش می‌کند قبل از هرگونه تعامل دیپلماتیک با ترکیه، در مورد عقب‌نشینی نیروهای ترکیه به تضمین ملموسی دست یابد. اندکی بعد از این اظهارات ملایم طرفین، دمشق توپ را در زمین آنکارا انداخت و لازمه هرگونه پیشرفت در این زمینه را اقدام عملی ترکیه در عقب‌نشینی از خاک

سوریه و مبارزه با تروریسم عنوان کرد که کشورش را تهدید می کند. این تغییر موضع در دو طرف، سؤالاتی را مطرح می کند که آیا ممکن است پایتختهای دو کشور از مانعی بنام پیش شرطها، عبور کرده باشند؟ و آیا ممکن است آنکارا و دمشق در پرتو تحولات منطقه ای و بین المللی مواضع خود را بر اساس منافع راهبردی و امنیتی مورد بازنگری قرار دهند؛ یعنی همانطور که وینستون چرچیل نخست وزیر اسبق انگلیس گفته بود: «نه دشمن دائمی وجود دارد و نه دوست دائمی؛ و فقط منافع دائمی وجود دارد».

از این رو، این گزارش به انگیزه های پنهان و یا عوامل تازه ای می پردازد که آنکارا و دمشق را به نرمش در مقابل یکدیگر واداشته است؛ به گونه ای که طرفین روندی که را در طی دو سال اخیر تقریباً به بن بست رسیده بود، بار دیگر مطرح کرده اند. این سازش احتمالی برای هر دو طرف چه دستاوردهایی به همراه خواهد داشت؟ آنکارا و دمشق در حال حاضر چه نقاط قوت و ضعفی دارند؟ مهمترین مواضع منطقه ای و بین المللی در قبال گفتگوها برای احیای روابط میان آنکارا و دمشق کدامند؟ فرصتهای موفقیت این دور تازه گفتگوها و همچنین مهمترین چالشهای فراروی آن کدامند؟

نخست: پیشینه روند نزدیکی میان آنکارا و دمشق

از سرگیری روابط میان ترکیه و سوریه مسأله تازه ای نیست. این روند از مدتها پیش آغاز شد و مراحل گوناگونی را پشت سر گذاشت. گفتگوها ابتدا در سطح محدود امنیتی و با میانجیگری روسیه آغاز شد این گفتگوها مانع از قطع کامل روابط فیما بین شد. سپس با دیدارها میان مقامات دو کشور، این روند به همکاری اطلاعاتی میان طرفین انجامید. از مهمترین این دیدارها می توان به نشست وزرای دفاع و رؤسای دستگاههای اطلاعاتی روسیه، ترکیه و سوریه در مسکو در دسامبر ۲۰۲۲ میلادی و همچنین نشست وزرای خارجه سه کشور در پایتخت روسیه در ماه می

۲۰۲۳ میلادی اشاره کرد. بعد از آن، شاهد اظهارات مقامات سیاسی و دیپلماتیک طرفین بودیم تا اینکه در ماه می ۲۰۲۳ میلادی، وزرای خارجه دو کشور مولود چاووش اوغلو و فیصل مقداد با یکدیگر ملاقات کردند. در آن زمان، نشانه ای از تغییر در موضع متضاد طرفین دیده نمی شد. دولت سوریه همچنان بر موضع خود مبنی بر عقب نشینی نیروهای ترکیه از خاک سوریه یا همکاری در مبارزه با گروههای مسلح مورد حمایت ترکیه در سوریه به عنوان شرط آغاز گفتگوهای جدی میان طرفین پافشاری می کرد. در مقابل، آنکارا نیز با هرگونه عقب نشینی پیش از تحقق پیشرفت ملموس در پرونده سیاسی، مسأله بازگشت پناهندگان و تعامل با نیروهای سوریه دموکراتیک در شرق فرات مخالفت می کرد. لذا، این مواضع کاملاً متضاد طرفین از پیچیدگی شرایط حکایت داشت که دستیابی به راه طهای فوری در روند از سرگیری روابط میان دو کشور را دشوار می ساخت.

یک سال و اندی پس از دیدار وزاری خارجه دو کشور، آنکارا در صدد برآمد تا به روند راکد احیای روابط با دمشق جانی تازه بدمد. از این رو، مقامات آنکارا در مورد روابط با دمشق اظهار نظرهایی مطرح کردند. به عنوان مثال، در ۲۳ ژوئن ۲۰۲۳ میلادی، **هاکان فیدان** وزیر خارجه ترکیه بر ضرورت همگرایی میان جوامع سوریه یعنی طرفداران نظام و مخالفین، در مبارزه با تروریسم تأکید کرد. وی همچنین گفت که کشورش امیدوار است نظام سوریه از فرصت آتش بس برای مصالحه با مخالفین، حل مشکلات قانون اساسی، بازگشت میلیونها پناهنده و تقویت اقتصاد سوریه استفاده کند. چند روز بعد، رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه نیز گفت که **هیچ مانعی برای برقراری روابط با سوریه** وجود ندارد. وی همچنین به روابط صمیمانه در گذشته با بشار اسد رئیس جمهور سوریه و دیدارهای خانوادگی اشاره کرد و از احتمال از سرگیری دوباره روابط سخن گفت. رئیس جمهور ترکیه همچنین گفت که وی در نظر دارد از رئیس جمهور اسد دعوت کند تا به همراه ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه به ترکیه سفر کند. او گفت که این سفر می تواند آغاز روند تازه ای در روابط فیما بین باشد.

اظهارات بشار اسد رئیس جمهور سوریه نیز از نرمش در مواضع قبلی حکایت داشت؛ او مدتها بر این موضع پا فشاری می کرد که تا زمانی که ترکیه تمامی نیروهای خود را از سوریه خارج نکند، هیچ هر نوع مذاکره ای میان طرفین بی معنا خواهد بود. فیصل مقداد وزیر خارجه سوریه در اظهاراتی سازشکارانه تر گفت: سوریه در صدد است پیش از هرگونه تعامل دیپلماتیک با ترکیه، در مورد تضمین ملموس ترکیه مبنی بر عقب نشینی از خاک سوریه، به توافقی دست یابد. این در حالیست که او پیش از این، اقدام ملموس ترکیه در مورد عقب نشینی را شرط هرگونه نزدیکی میان دو کشور عنوان کرده بود. **اظهارات اسد و بیانیه وزارت خارجه اش** نیز قابل توجه بود که به نوعی خواهان تصحیح روند روابط با ترکیه شده بود و نه تنها در آن هیچگونه مخالفت آشکاری با از سرگیری روابط با ترکیه وجود نداشت بلکه از هرگونه ابتکاری برای احیای روابط با آنکارا استقبال شده بود. و مهمترین پرونده های موضوع گفتگو را بار دیگر مطرح ساخت که عبارتند از: عدم چانه زنی بر سر تمامیت سرزمینی سوریه و پیش شرط قرار دادن عقب نشینی نیروهای ترکیه از سوریه و بازگشت اوضاع به پیش از ۲۰۱۱ میلادی، پایان دادن به حمایت از گروههای مسلح مخالف اسد، و تعامل مثبت با ابتکارها برای بهبود روابط میان دو کشور. این امر سبب می شود که با ادامه روند گفتگوها و پیشرفت آن میان دو کشور، دیگر شاهد توقف گفتگوها نباشیم.

دوم: انگیزه های پنهان طرفین برای نرمش

همزمان با دور تازه ای از نشانه های نزدیکی میان ترکیه و سوریه، هر دو کشور تحولات داخلی مهمی را تجربه کردند و منطقه و جهان نیز شاهد تحولات پرشتابی بود. اکنون به مهمترین انگیزه های طرفین در این زمینه می پردازیم:

یک. نگرانیهای مشترک در مورد نفوذ فزاینده « اداره خودمختار» کردها در شمال شرق سوریه

«حزب کارگران کردستان (PKK)» به طور غیر مستقیم اما به نحو

تأثیرگذاری در تغییر پویایی های روابط ترکیه و سوریه نقش داشت. در گذشته و در **دوران حافظ اسد**، سوریه منافع خود با کردها را از طریق حمایت از حزب (PKK) اداره می کرد و اردوگاههای آموزشی در اختیار افراد آن قرار می داد تا در موقع لزوم از آنان به عنوان ابزار فشاری علیه ترکیه استفاده کند. ادامه همین سیاست در دوره بشار اسد، دشمنی ترکیه در مقابل سوریه را برانگیخت. از نظر ترکیه، حزب (PKK) یک سازمان خطرناکی است که امنیت و ثبات داخلی ترکیه را برهم می زند. از این رو، تنش میان آنکارا و دمشق بالا گرفت و طرفین را تا آستانه جنگ سوق داد و آنکارا در سال ۱۹۹۸ میلادی تهدید کرد که به خاک سوریه حمله خواهد کرد. این سیاست به امضای توافقنامه امنیتی آدانا انجامید که به دنبال آن، رهبر حزب (PKK) خاک سوریه را ترک کرد. اما با این همه، مسأله کردها همچنان جایگاه محوری خود را در مدیریت روابط میان دو کشور حفظ کرد. **جنگ سال ۲۰۱۱ میلادی بار دیگر روابط میان دو کشور** را وارد مرحله پیچیده ای کرد. بشار اسد به برگ فشار کردها متوسل شد و به احزاب و جوامع کرد در شمال شرق سوریه میدان داد تا بدین وسیله دولت ترکیه را تحت فشار قرار دهد. بعد از انقلاب ۲۰۱۱ سوریه، گسترش حوزه فعالیت کردها از کنترل خارج شد. دمشق روی کردها به عنوان متحد احتمالی علیه تهدیدهای ترکیه و گروههای مخالف مورد حمایت ترکیه حساب باز کرده بود. اما با این همه، این همکاری همیشه ثبات نداشت. و بعد از دخالت آمریکا در روابط میان کردها و دمشق، این روابط میان گفتگو و تهدید در نوسان شد. آمریکا براساس منافع مشترک در راستای مبارزه با «داعش» در سوریه، جنگجویان کرد را مورد حمایت قرار داد که به تقویت توانمندی های نظامی و تشکیل ساختار اداری کردها در شمال شرقی سوریه منجر شد. کردها با حمایت آمریکا توانستند مناطق خودمختار و حکومتهای محلی تشکیل دهند. دمشق از این وضعیت احساس خطر کرد و برای مدیریت این وضعیت، **اعلام کرد** که حاضر است برای دستیابی به راه حل های مسالمت آمیز با طرفهای کرد وارد گفتگو شود.

ترکیه نیز که از قدرت یافتن کردها احساس خطر کرده بود، به عملیات نظامی پی در پی دست زد و علاوه بر حضور نظامی در سوریه، با گروه‌های مخالف سوری در مناطقی چون ریف حلب و ادلب وارد همکاری شد تا مرزهای خود را از تهدید کردها در امان نگهدارد. اما این تلاش‌های ترکیه در حمایت از گروه‌های سیاسی مخالف سوری و عملیات‌های نظامی علیه حزب کارگران کردستان (PKK) و دیگر گروه‌های زیر مجموعه آن، نتوانست عملاً جلوی تهدید کردها و بلندپروازی آنها برای تشکیل حکومت خودگردان کردها را بگیرد.

با افزایش نفوذ کردها در شمال سوریه و **آمادگی‌های «اداره خودمختار»** برای اجرای انتخابات محلی، سوریه و ترکیه دریافتند که برای مقابله با تهدید کردها، منافع مشترکی دارند. این اقدامات کردها سبب شد که ترکیه برای عادی سازی روابط با سوریه گام بردارد. در واقع تهدید کردها فصل مشترکی میان ترکیه و سوریه شد و این دو کشور برای مقابله با «اداره خودمختار» و جلوگیری از قدرت یافتن آن، در صدد همکاری با یکدیگر برآمدند که در اینصورت جلوی رویکردهای دمشق برای گفتگو و تبادل پیام با «اداره خودمختار» نیز گرفته می شود.

ترکیه در ماه‌های اخیر و پیش از آنکه برای نزدیکی با سوریه وارد عمل شود، تلاش‌هایی را برای نزدیکی با عراق روی دست گرفت. آنکارا از تمایل محمد شیاع السودانی نخست وزیر عراق برای گشایش منطقه ای و ایجاد تحول در اقتصاد کشور استفاده کرد و روابط با دولت عراق را گسترش داد. آنکارا توانست نظر بغداد را در زمینه تقویت همکاری در حوزه انرژی جلب کند. و برای جنگ احتمالی علیه «حزب کارگران کردستان» با بغداد توافقنامه های امنیتی و همکاری به امضا رساند. می توان گفت که ترکیه در نظر دارد همان الگو را با دولت سوریه نیز در پیش گیرد. از این رو تلاش می کند با گشایش سیاسی و تسهیل جریان تجارت در کریدورهای تجاری، با سوریه نیز توافقنامه سیاسی امضا کند و بتواند به موجب آن پناهندگان سوری را به کشورشان بازگردانده و در منطقه امن ساکن سازد. ترکیه در نظر دارد

در راستای امنیت ملی خود، در طول مناطق مرزی با سوریه یک منطقه حائل ایجاد کند و پناهندگان سوری را در آنجا جای دهد.

دو. کاستن از باری که بردوش اقتصاد ترکیه و سوریه سنگینی می کند

هر دو کشور با نابسامانی اوضاع اقتصادی دست به گریبان هستند. دولت سوریه در تلاش است با دور زدن تحریمهای آمریکا، اقتصاد خود را از فروپاشی نجات دهد. ترکیه نیز بحران پناهندگان سوری را همچون باری می داند که بر دوش اقتصاد و جامعه ترکیه سنگینی می کند. از این رو، در تلاش است با هماهنگی دولت سوریه بخشی از این پناهندگان را به کشورشان بازگرداند و نگذارد که اقتصاد ترکیه زیر بار پناهندگان کمر خم کند. بسته بودن راههای سوریه بر روی کالاهای ترکی به مقصد اردن و کشورهای خلیج، به زیان اقتصاد ترکیه تمام می شود. از این رو، ترکیه می تواند با احیای روابط با دمشق جلوی این زیان اقتصادی را بگیرد. علاوه بر آن، از سرگیری روابط می تواند فرصتهای مبادلات تجاری ترکیه با مناطق تحت کنترل دولت سوریه را افزایش دهد و در نتیجه، به بهبود اوضاع اقتصادی و کاهش بیکاری و تورم در ترکیه کمک کند. این رویکرد به آنکارا کمک می کند تا گذرگاه ابوالزیندین میان شهر الباب و مناطق تحت کنترل نظام را مجدداً باز کند. ناظران بر این باورند که اگر چنین اقدامی صورت گیرد، آنگاه می توان گفت که اظهارات هاکان فیدان وزیر خارجه ترکیه مبنی بر ضرورت استفاده از فرصت آرامش در راستای نزدیکی میان دولت سوریه و مخالفان، تقریباً به تحقق پیوسته است.

همچنین تلاشهای اخیر اردوغان برای حضور کشورش در مسابقه دالانهای بین المللی نیز می تواند بخشی از انگیزه های آنکارا برای برقراری مجدد روابط با دمشق باشد. در ماههای گذشته او توانست یک تفاهم چهارجانبه میان عراق، ترکیه، قطر و امارات را برای همکاری در «پروژه راه توسعه» به امضا برساند. در نتیجه، برای تضمین پیشرفت و موفقیت این پروژه، آنکارا در راستای تأمین امنیت در طول مسیر این پروژه و کاهش تهدیدهای

« حزب کارگران کردستان» در شمال عراق و همچنین شاخه سوری آن موسوم به « یگان های مدافع خلق کرد» که در شمال سوریه فعالیت دارد، تلاش هایی را روی دست گرفته است. این امر آنکارا را بر آن می دارد تا رابطه خود با سوریه را ترمیم کند.

سه. تکمیل حلقه منافع منطقه ای آنکارا و دمشق

پیامدهای فزاینده جنگهای داخلی در کشورهای عرب و رویکردهای آمریکا برای خروج نیروهایش از خاورمیانه و همچنین پیامدهای ناگوار جنگ اوکراین و جنگ غزه بر نظامهای سیاسی، بسیاری از کشورها را بر آن داشته است تا با تغییر موضعی آشکار به نزدیکی با دشمنان قدیمی خود روی آورند. به عنوان نمونه می توان به مصالحه ترکیه با امارات متحده عربی و پادشاهی عربستان سعودی، و اخیرا با مصر اشاره کرد که افق های تازه ای را در روابط ترکیه با این کشورها که در راهبرد منطقه ای ترکیه تأثیرگذار هستند، گشوده است.

در روندهای مصالحه که آنکارا در طی سالهای اخیر روی دست گرفته است، سوریه با پرونده های پیچیده امنیتی و اقتصادی خود حلقه مفقوده ترکیه بوده است؛ به ویژه اینکه با اوج گرفتن بحران اوکراین و غزه، معادلات قدرت منطقه ای خاورمیانه وارد مرحله تازه ای شده است. لذا، در سایه این تحولات ترکیه بر آن شده است تا با پرداختن به پرونده روابط با سوریه در جستجوی زمینه مشترکی برای پیشبرد منافع خود برآید.

سوریه نیز تلاش می کند تا با تغییر موضع در قبال ترکیه، روندهای مصالحه و از سرگیری روابط با کشورها را که در سالهای اخیر سرعت بخشیده است، تکمیل کند. سوریه توانست روابط خود با چندین کشور عربی و خلیج را احیا کند و کرسی خود در اتحادیه عرب را نیز بازپس گیرد. از نگاه دمشق، از سرگیری روابط با آنکارا می تواند مشروعیت دولت دمشق را به خاطر نزدیکی با یک عضو ناتو تقویت کند؛ یعنی بعد از سالها قطع رابطه، تحریم اقتصادی و انزوای سیاسی که از سوی کشورهای عضو ناتو بر دمشق تحمیل شد، حال ترکیه اولین عضو ناتو است که رابطه خود را با ترکیه مجددا برقرار می کند.

چهار. آمادگی برای مرحله جدید در سیاست آمریکا

با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نوامبر ۲۰۲۴ میلادی، بازیگران منطقه ای نیز تلاش می کنند امکان بازگشت دونالد ترامپ رئیس جمهور اسبق آمریکا به کاخ سفید را در محاسبات خود لحاظ کنند. از این رو، رهبران برخی کشورها از جمله ترکیه و سوریه گامهای خود را با گامهای کسی که در راه کاخ سفید است، هماهنگ می کنند. در عین حال، احتمال دارد بازگشت احتمالی ترامپ به منزله مطرح شدن دوباره گزینه خروج نیروهای آمریکایی از سوریه باشد که در اینصورت، منطقه ای ممتد در شرق رود فرات از جنوب شرقی سوریه در نزدیکی گذرگاه مرزی التنف گرفته تا شمال شرقی را خالی خواهد کرد. در نتیجه، آنکارا و دمشق و همچنین مسکو و تهران گزینه ها و رهیافتهای خود را برای چنین احتمالی مورد بررسی قرار می دهند.

پنج. بهره برداری جریانهای سیاسی ترکیه از پرونده سوریه

اردوغان احساس می کند که خطر رقبای داخلی، حزب و محاسبات انتخاباتی آینده او را تهدید می کند. زیرا شکستی که در انتخابات محلی در آوریل ۲۰۲۴ متحمل شد و «حزب جمهوری خلق» بر حزب حاکم یعنی «حزب عدالت و توسعه» پیشی گرفت، به خاطر این بود که حزب رقیب او توانست از بحران پناهندگان سوری و نابسامانی اوضاع اقتصاد داخلی علیه اردوغان بهره برداری کند و فروپاشی اقتصاد ترکیه را ناشی از سیاستهای خارجی اردوغان معرفی کند. و علی رغم اینکه اردوغان تلاشهایی را برای حل اختلافات میان این دو حزب روی دست گرفت، اما این تلاشها نه تنها به تفاهمهای نهایی منجر نشد بلکه «حزب جمهوری خلق» برای گفتگو با اسد و حل مسأله پناهندگان سوری در ترکیه تمایل نشان داده است و برای کسب حمایت دوباره مردم از پرونده پناهندگان استفاده می کند. رهبر این حزب از تصمیم خود برای دیدار با اسد سخن می گوید تا در مورد پرونده پناهندگان با وی گفتگو کند. از این رو، می توان گفت که با اظهاراتی که در بالاترین سطح سیاسی در مورد تنش زدایی با اسد صورت می گیرد،

اردوغان می خواهد راه را بر رقیب خود بسته و ابتکار عمل در مورد حل پرونده پناهندگان را خود در دست گیرد.

سوم: موضع قدرتهای منطقه ای و بین المللی در قبال نزدیکی میان آنکارا و دمشق

اعلام آمادگی برای از سرگیری روابط میان آنکارا و دمشق بدین معنا نیست که راه آن هموار و گام برداشتن برای آن بدون مشکل امکان پذیر است؛ زیرا قدرتهای منطقه ای و بین المللی که این نزدیکی را دنبال می کنند، مواضع متفاوتی در قبال آن دارند که در اینجا به برخی از این مواضع اشاره خواهیم کرد:

یک. موضع ایران

ایران مراحل قبلی نزدیکی میان ترکیه و سوریه که با میانجیگری روسیه انجام می شد را با نگرانی دنبال می کرد؛ زیرا بیم آن داشت که مبادا مسکو با افزایش نفوذ خود در سوریه، نفوذ امنیتی، نظامی و اقتصادی ایران در آنجا را تحت تأثیر قرار دهد. تهران به خوبی می داند که هر نوع سازش با سوریه معادلات تازه ای را بر مناطق مختلف سوریه حاکم می سازد و مسلماً مناطق حضور نظامی و اقتصادی تهران را نیز دستخوش تغییر خواهد کرد. در نتیجه، در مسیر تلاشهای قبلی روسیه در راستای مصالحه میان سوریه و ترکیه سنگ اندازی کرد.

به نظر می رسد که تهران نقش میانجیگری کنونی عراق در مصالحه میان دمشق و آنکارا از میانجیگری روسیه بیشتر قبول دارد. و شاید هم تهران، عراق را به این میانجیگری سوق داده است تا مبادا روسیه در این زمان حساس در این میدان یکه تازی کند. به ویژه اینکه اکنون اقدامات اسد در چندین پرونده از جمله گشایش بیشتر با جهان عرب نگرانیهای نهادهای ایران را برانگیخته است مخصوصاً که عربستان سعودی سفیر خود را به دمشق بازگرداند.

آنچه به نگرانیهای ایران دامن زده است، نشانه هایی است که از تمایل

اسد به بازگشت به محافل بین‌المللی حکایت دارد. یکی از این نشانه‌ها اظهارات اسد در آوریل ۲۰۲۴ میلادی است که گفته بود هر از چند گاهی دیدارهایی **میان مقامات کشورش و ایالات متحده** صورت می‌گیرد. همچنین خبرهایی در رسانه‌ها درز کرد مبنی بر اینکه اسد برای گفتگو با اداره خودمختار اعلام آمادگی کرده است. **لیندا توماس گرینفیلد** نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد نیز در جلسه شورای امنیت با موضوع سوریه اعلام کرد که چنانچه در روند پایان دادن به درگیری در سوریه پیشرفتی حاصل شود، واشنگتن آماده است مسأله رفع تحریمهای سوریه را مورد بررسی قرار دهد. علاوه بر آن، کم‌رنگ شدن اعتماد میان سوریه و ایران به خاطر تنشهای پیاپی امنیتی و تبادل غیر مستقیم اتهامات مبنی بر دست داشتن در ترور فرماندهان نظامی در سوریه نیز از جمله مسائلی است که نگرانیهای تهران را برانگیخته است. همه این تحولات ممکن است ایران را بر آن دارد که رویه‌ای را در قامت راه حل سیاسی در پیش گیرد. از این رو، تلاش می‌کند رهبری روند بازگشت روابط میان دمشق و آنکارا را به دست گیرد تا مانع تحولات غیر منتظره‌ای شود که به حضور ایران در منطقه و مخصوصاً در سوریه آسیب بزند.

دو. موضع روسیه:

مسکو برای پیشرفت روند احیای روابط میان سوریه و ترکیه و امضای توافق میان طرفین تلاشهای زیادی انجام داد. ولی این تلاشها با کارشکنی آشکار دولت سوریه و یا ایران بی‌ثمر ماند. اما به نظر می‌رسد که در سایه پیچیدگیهای جنگ روسیه و اوکراین و بحرانی شدن وضعیت ژئوپلیتیک روسیه در اطلس بین‌الملل، امروز مسکو بیش از گذشته به همراهی با نظام حاکم در سوریه و حمایت از آن نیازمند است. و مسکو نمی‌تواند بدون دخالت و همکاری آنکارا، با حمایت از دولت اسد، ثبات را به سوریه بازگرداند. زیرا اولاً، شمال سوریه در کنترل ترکیه است و ثانیاً آنکارا می‌تواند از لحاظ اقتصادی نقش فعالی در بازسازی اقتصاد داخلی سوریه بازی کند. در نتیجه، در صورتیکه مسکو اندکی به آنکارا و دمشق فشار آورد، نزدیکی

و مصالحه میان این دو می تواند چندین هدف روسیه را برآورده سازد. از جمله اینکه این امر می تواند موفقیتی برای مسکو در سیاست اوراسیایی اش به شمار رود و تحقق منافع روسیه در دور کردن ترکیه از اردوگاه غرب نیز رقم خواهد خورد. از این رو، روسیه همواره تلاش می کند تا ثابت کند منافع آنکارا در سوریه و امنیت ملی ترکیه نیز از طریق مسکو تحقق می یابد نه از طریق واشنگتن. در عین حال، روسیه می خواهد پرونده نزدیکی میان دمشق و آنکارا با میانجیگری کرملین پیش برود تا منافع روسیه در خاورمیانه و مخصوصاً در سوریه تضمین گردد. علی رغم اینکه سرگی لاوروف وزیر خارجه روسیه در ماه مارس ۲۰۲۴ میلادی اعلام کرد که در سایه بحرانی شدن اوضاع منطقه ای، پیشبرد روند نزدیکی میان آنکارا و دمشق محال به نظر می رسد، اما بعد از اینکه بغداد از نقش میانجیگری خود در این مسأله خبر داد، مسکو از زبان الکساندر لاورنتیف فرستاده ویژه رئیس جمهور روسیه در امور سوریه، اعلام کرد که کشورش از این ابتکار حمایت می کند. او همچنین گفت که شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری برای موفقیت میانجیگری ها مناسب تر است و روسیه برای پیشبرد گفتگوها میان طرفین آمادگی دارد. این اظهارات لاورنتیف نشان می دهد که روسیه تمایل دارد رشته این ابتکار را همچنان در دست خود داشته باشد.

سه. موضع ایالات متحده آمریکا

نزدیکی میان ترکیه و سوریه بر منافع ایالات متحده در منطقه تأثیر گذار است و می تواند حمایت واشنگتن از « نیروهای دموکراتیک سوریه» را تهدید کند. همچنین، نزدیکی میان ترکیه و سوریه حضور نظامی آمریکا در سوریه را تحت فشار قرار می دهد. همچنین، همگرایی فزاینده ترکیه با روسیه و ایران موجب کاهش نفوذ ایالات متحده در منطقه می شود و از قدرت تأثیرگذاری آمریکا در روند بحران سوریه می کاهد. در نتیجه، همزمان با درز خبرها درباره روندهای نزدیکی میان ترکیه و آنکارا، ایالات متحده از سرگیری روابط با اسد را به تحقق پیشرفت ملموس در روند راه حل سیاسی گره

زد و این نزدیکی را صرفاً به جنبه بشردوستانه محدود کرد؛ بدون اینکه در بازسازی سوریه و یا برداشتن تحریمهای آمریکا از این کشور اقدامی صورت گیرد. البته همان زمان که نشانه‌هایی از نزدیکی جهان عرب با سوریه خود را نشان داد و قبل از اینکه به مرحله از سرگیری روابط دیپلماتیک برسد، نیز آمریکا همین موضع را بیان کرده بود. بنابر این، احتمالاً واشنگتن برای عقیم ساختن روند نزدیکی میان دولت سوریه و ترکیه، دست به اقدام عملی نخواهد زد؛ زیرا آمریکا می‌خواهد روند‌های نزدیکی با حکومت اسد را نادیده بگیرد و تمایل دارد که در بحران سوریه گشایشی حاصل شود. و اینکه ایالات متحده در مورد از سرگیری روابط کشورهای عربی با اسد، صرفاً به یک اعتراض شفاهی اکتفا کرد، گواه این مدعا است.

چهار. موضع جریانهای مخالف نظام سوری

گروههای مخالف نظام سوریه و همچنین اداره خودگردان کرد که مناطق وسیعی از شمال سوریه را در اختیار خود دارند، از این نزدیکی احساس خطر کرده‌اند. در مورد گروههای معارض سوری باید گفت که ترکیه مهمترین حامی خارجی گروههای معارض سوری است و در کنترل و جهت‌دهی این گروهها ید طولایی دارد؛ زیرا اکثر اعضای ائتلاف ملی و همچنین همه نهادهای سیاسی و رسانه‌ای مخالف نظام، در شهرهای استانبول و غازی عینتاب هستند. و گروههای نظامی مخالف نظام در سوریه از حمایت‌های مالی و لجستیک ترکیه برخوردارند. و در صورت نزدیکی میان آنکارا و دمشق و حصول تفاهم میان رهبران دو کشور، احتمالاً گروههای مخالف نظام به ناچار برای تبعیت از موضع ترکیه برای مشارکت در راه‌حلهای سیاسی تحت فشار قرار خواهند گرفت. برخی از نیروها و گروههای مخالف نظام در شمال سوریه این احتمال را رد کرده و از اظهارات رئیس‌جمهور اردوغان مخصوصاً اظهارات وی همزمان با گشایش گذرگاه (ابو‌الزندین) با مناطق تحت کنترل دولت سوریه، ابراز نافرمانی کردند. پس از آن بود که حوادث آزار و اذیت پناهندگان سوری در قیصریه ترکیه به تنش میان ترکیه و گروههای معارض سوری دامن زد.

پنج. کشورهای خلیج:

در طول سالهای گذشته موضع کشورهای خلیج بر کاهش تنش در منطقه استوار بوده است تا دستیابی به امنیت و ثبات منطقه ای که خواست همگان است محقق گردد. با این رویه، توانستند اختلافات منطقه ای را کنار گذاشته و برای ارتباط با کشورهایی که چندین سال قطع رابطه کرده بودند، روزنه گشایی کنند. در نتیجه همین رویکرد، زمینه های حل دائمی بحران یمن و از سرگیری روابط کشورهای خلیج با ترکیه، ایران و سوریه فراهم شد. و به نظر می رسد که طرح مسأله مصالحه میان سوریه و ترکیه در امتداد گشایش در روابط کشورهای عربی با سوریه باشد که با بازگشت سوریه به اتحادیه عرب آغاز شد و به دنبال حضور بشار اسد در کنفرانس سران عرب در جده، اکثر سفارتخانه های کشورهای عربی، کار خود را در دمشق از سر گرفتند.

از این رو، کشورهای خلیج از هر تفاهمی میان سوریه و ترکیه که منجر به بازگشت داوطلبانه پناهندگان سوری، برقراری امنیت در مناطق سوریه، پایان دخالت های خارجی در سوریه شود استقبال می کنند. یافتن راه حل سیاسی برای بحران سوریه لازمه ثبات منطقه ای است که کشورهای منطقه به دنبال آن هستند. اما نظر به اینکه به غیر از اظهارات سازنده ای که گهگاهی از مقامات طرفین شنیده می شود، ترکیه و سوریه موضع واضح و آشکاری در قبال یکدیگر و راهکار مشخصی برای رفع نگرانی های طرف مقابل ندارند و در اهدافی که اعلام می کنند با آنچه عملاً دنبال آن هستند نوعی تناقض دیده می شود، کشورهای خلیج نیز برای دنبال کردن اهداف مورد نظر خود، اوضاع را از نزدیک دنبال می کنند.

چهارم: فرصتها و چالشهایی که فراروی دور تازه گفتگوها قرار دارد

روند نزدیکی احتمالی میان ترکیه و سوریه به آن آسانی که از اظهارات مقامات دو کشور بر می آید، نیست. زیرا دخالت کشورهای زیادی چون

روسیه، ایران، آمریکا و کشورهای خلیج در پرونده سوریه، به پیچیدگی وضعیت آن دامن زده است. در نتیجه، فرصتها و چالشهای فراروی نزدیکی میان ترکیه و سوریه به چندین عامل بستگی دارد که از جمله آنها می توان به روابط دوجانبه یعنی توان طرفین در عبور از اختلافات عمیق و ایجاد زمینه مشترک همکاری و همچنین به مواضع دیگر کشورهای بازیگر در این پرونده اشاره کرد.

در مورد روابط دوجانبه میان ترکیه و سوریه باید گفت که علی رغم میانجیگری هایی که توسط عراق و یا شاید هم روسیه انجام می شود، اما احیای کامل روابط میان این دو کشور در آینده نزدیک چندان محتمل به نظر نمی رسد؛ زیرا اولاً به نظر نمی رسد که اسد برای همکاری در پرونده هایی که ترکیه طرح کرده است، آمادگی داشته باشد و ثانیاً، اسد که برای حفظ توازن دقیق در روابط منطقه ای از سوی متحدان خود و مخصوصاً ایران تحت فشار قرار دارد، نمی تواند در مسائل اساسی از مواضع خود عقب نشینی کند. از این رو، انتظار تحقق یک پیشرفت بزرگ دیپلماتیک بسیار سخت است. همچنین، معمولاً در اظهارات مقامات ترکیه و سوریه با اهدافی نهایی آنها، تناقضاتی وجود دارد. وانگهی، کشورهای منطقه نیز به این درک رسیده اند که ترکیه به جای اینکه صادقانه برای حل بحرانهای وخیم منطقه تلاشی انجام دهد، بیشتر به دنبال آن است تا با استفاده از شرایط نابسامان منطقه ای برای پیشبرد راهبرد منطقه ای خود اقدامی صورت دهد. در نتیجه، در مورد توانایی هر دو طرف ترکی و سوری برای ترمیم روابط سیاسی، تردیدهایی وجود دارد.

در مورد ترکیه باید گفت که عقب نشینی نیروهای ترکیه از شمال سوریه که معادلات در مناطق تحت کنترل «نیروهای دموکراتیک سوریه» و یا مناطق تحت کنترل گروههای مخالف سوری در شمال سوریه را تغییر خواهد داد، چندان آسان نیز به نظر نمی رسد. زیرا ترکیه سرمایه گذاریهای زیادی در آن مناطق انجام داده است و عقب نشینی ترکیه به معنای درگیر شدن با مشکلات بزرگتر در آن منطقه است. و مهمترین

این مشکلات، خالی کردن صحنه برای « نیروهای دموکراتیک سوریه» است؛ در حالیکه هدف آنکارا از نزدیکی با نظام سوریه، همانا مقابله با « نیروهای دموکراتیک سوریه» است.

همچنین، نباید از نظر دور داشت که دیگر طرفهای بازیگر در پرونده سوریه و همچنین تحولات گسترده تر منطقه ای مخصوصا اوضاع شمال سوریه در روند این نزدیکی نقش دارند. و به نظر می رسد که حوادث شهر قیصریه و همچنین حوادثی که همزمان با اظهارات سازنده هر دو کشور در مورد از سرگیری روابط، در شمال سوریه رخ داد، گویای این واقعیت است که برخی طرفها مخالف از سرگیری روابط میان آنکارا و دمشق هستند.

همچنین، روند این نزدیکی به نرمش موضع حامیان اسد مخصوصا ایرانیان نیز بستگی دارد؛ زیرا تهران تلاش می کند قبل از فعال شدن دیدارهای دوجانبه میان دمشق و سوریه، جایگاه خود را تا جایی که امکان دارد در مذاکرات مربوط به سوریه تثبیت کند؛ البته تهران در دور پیشین گفتگوها که با میانجیگری روسیه میان سوریه و ترکیه انجام شد، توانست جایی برای خود تدارک ببیند. زیرا تهران که در حفظ نظام کنونی سوریه نقش اساسی داشت، خود را شریک مهم سوریه می داند و با توجه به اینکه نیروهای مورد حمایت ایران در کنار ارتش سوریه در مناطق تماس مخصوصا در حلب و ادلب حضور پررنگی دارند، تهران انتظار دارد که در هرگونه توافق امنیتی میان دمشق و آنکارا نیز حضور داشته باشد. از این رو، تهران از هیچ گونه تلاشی برای جلوگیری از پیشرفت احتمالی این روند و ناکام گذاشتن تلاشهای ترکیه برای دیدار با اسد فروگذار نخواهد کرد. و تمام تلاش خود را به کار خواهد گرفت تا حداقل دیدارهای ترکیه با سوریه نتیجه ای به دنبال نداشته باشد که منافع ایران را در سوریه تهدید کند.

درباره موضع آمریکا در قبال نزدیکی سیاسی و اقتصادی احتمالی میان دمشق و آنکارا باید گفت که در سایه بحرانهای منطقه ای و بین المللی کنونی مانند جنگ غزه و اوکراین، احتمالا جو بایدن رئیس جمهور فعلی

آمریکا در مورد ترکیه و سوریه دست به اقدامی نمی زند که شانس حزب متبوعش را در انتخابات ریاست جمهوری آینده تهدید کند. و اگر نام رئیس جمهور اسبق آمریکا دونالد ترامپ بار دیگر در نوامبر آینده از صندوقهای رأی بیرون آید، احتمالاً سیاست خارجی واشنگتن مخصوصاً در مورد سوریه و حضور نظامی آمریکا در سوریه و همچنین روابط با ترکیه و «نیروهای دموکراتیک سوریه» تغییراتی را شاهد خواهد بود.

برآیند

بی تردید احیای روابط میان سوریه و ترکیه نه تنها در راستای منافع مشترک، بلکه یک ضرورت برای طرفین است. اما مشکلات و پیچیدگیهای جنگ سوریه که بیش از یک دهه ادامه داشته است، نیازمند تلاشهایی بیش از ابراز تمایل طرفین است. ادامه این مسیر علاوه بر موانع و چالشهای زیادی که دارد، یک روند طولانی مدت و سخت است. در این مورد می توان به تجربیات قبلی سوریه در گفتگوهای سیاسی با خارج اشاره کرد که در مدیریت گفتگوها با طرف مقابل، به سیاست صبر و شکیبایی روی می آورد. در مقابل، ترکیه این بار می خواهد از طریق دیپلماسی و تفاهم با سوریه نفوذ ژئواستراتژیک خود را گسترش دهد. آنکارا نیز در این میدان ید طولایی دارد و در مدیریت خود در مناطق نفوذ، از ابزار نفوذ و حضور نظامی در کنار مذاکرات سیاسی بهره می گیرد تا بتواند واقعیتی را رقم بزند که قبل از هر سخنی درباره عقب نشینی نیروهایش، آینده منافع خود را تضمین کرده باشد. و این همان روشی است که آنکارا در لیبی، آذربایجان و اخیراً در عراق نیز در پیش گرفت.

همچنین، هرگونه پیشرفت در مذاکرات میان ترکیه و سوریه به شرط بندی های طرفهای دیگر نیز بستگی دارد. زیرا قدرتهایی چون ایران، روسیه و ایالات متحده نیز در این مورد مواضع خاص خود را دارند. علاوه بر آن، تشدید تنش در داخل سوریه که در پی انتشار خبرهای مصالحه میان ترکیه و سوریه صورت گرفت نیز می تواند این روند را تحت تأثیر قرار دهد. لذا

می توان گفت که اگر دو طرف ترکیه و سوریه و همچنین طرف میانجی، این گفتگوها را با جدیت دنبال کنند، امکان دارد روابط اقتصادی تا حدی از سر گرفته شود. اما این گفتگوها نمی تواند در کوتاه مدت به احیای کامل روابط میان ترکیه و سوریه منجر شود.

